

نگاهی به چگونگی مصادر و منابع بحار الانوار (با تاکید بر فصل اول و دوم از مقدمه)

مهریار شبابی^۱

چکیده

بحارالانوار دائرة المعارف حدیثی بی نظیری در طول چهارده قرن بوده و همواره مورد توجه دانشمندان قرار گرفته است. در اعتماد نسبت به روایات این کتاب برخی راه افراط را در پیش گرفته و تمام روایات آن را قطعی الصدور می دانند. برخی تفریط را گزیده و کلاً با دیده تردید به آن نگریسته اند. گروه سوم روایات این کتاب را از این حیث که روایت هستند مورد تایید؛ و قابل بررسی می دانند و راه گروه اول و دوم را خطا دانسته اند. یکی از موارد در بررسی صحت روایات، منابع است. در کتاب بحار الانوار از منابع متعددی استفاده شده و با توجه به عظمت و گستردگی مطالب، مدخل های فراوان نیز چشمگیر است. اینکه مجلسی چه ملاک هایی را برای استفاده از منابع در نظر گرفته است موضوعی قابل تأمل و حائز اهمیت می باشد. این پژوهش زمینه های کلی درج روایات را مشخص می کند و خواننده را از سرگردانی و بی اعتمادی نسبت به این کتاب، که برخی درصدد آن بوده اند، می رهاوند. تقسیم بندی منابع و معرفی نویسندگان آنها، و نقد مطالبی که مجلسی در مقدمه اول و دوم در این زمینه آورده است، در بررسی این جامع روایی هدف دیگر این پژوهش می باشد. یافته های پژوهش نشان می دهند که مجلسی به عنوان فردی ثقه و مورد اطمینان برای همه دانشمندان به صحت و اعتبار مصادر مورد استفاده در بحار شهادت داده است به این ترتیب که: اولاً به جهت امکانات فراوانی که در اختیار داشته، از بهترین و معتبرترین نسخه های موجود استفاده کرده است. ثانیاً از کتب و تألیفات معتبر شیعی در بحار آورده است. ثالثاً پس از گردآوری به نقد و بررسی آنها پرداخته و اگر حدیثی مورد تأیید وی نبوده در قسمت «بیان» به تبیین موارد اشکال پرداخته است.

کلید واژه‌ها: بحار الانوار، مجلسی، روایات، سند، منابع

^۱ . استادیار دانشگاه آزاد اسلامی. واحد تهران شمال

سخن آغازین

تاریخ قرن های متمادی را پشت سر گذارد تا در یک برهه، فریده ای را به خود دید که تا به آن روز نظیرش را ندیده بود، و تا به امروز نیز چنین گوهری، اگر نگوئیم بی نظیر، کم نظیر است. با این وصف و با اعترافِ قریب به اتفاق دانشمندان این علم بر عظمت توان علمی و برد فکری و ابتکارات مجلسی؛ طعن های زیادی بر او و بخصوص بر کتاب بحار الانوار شنیده می شد. آنگونه که قلمداد شود مجلسی بدون تحقیق و بررسی هرآنچه به دستش آمده در این کتاب وارد کرده، حتی طوری در این جهت موضع گیری شد که ابراز می داشتند کار او در بحار الانوار باعث شده احادیث جعلی تثبیت شود. و اینجانب چنین موضعگیری را در مورد هیچیک از کتاب های جوامع حدیثی تشیع و تسنن، تا این حد از گستردگی ندیده بودم. سلامت و وثاقت فکری و اعتقادی مجلسی مرا برآن داشت تا علت را جویا شوم. از این جهت در طلوع ی این وجیزه چند کلامی به بررسی زمینه های فکری و اعتقادی مجلسی و معرفی کتاب بحار الانوار اختصاص داده شد و سپس مختصراً به برخی از نوآوری ها و ابتکارات وی در گستراندن فرهنگ اصیل محمدی صلی الله علیه و آله پرداخته شده است. در قسمت آخر روش ایشان در استنادات بحار الانوار و تقسیم بندی منابع و اعتبار آنها، مطالبی چند آمده است. با توجه به اینکه بحار الانوار یکی از جوامع مهم شیعه می باشد؛ بکارگیری منابع اهل سنت در آن چه حکمی دارد نیز یکی دیگر از اشکالاتی است که مطرح شده و مورد بحث در این مقاله می باشد.

مختصری درباره ی مجلسی و کتاب بحار الانوار

کتاب بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار کتابی به عربی اثر ملا محمد باقر بن محمد تقی مجلسی اصفهانی (۱۱۱۰ - ۱۰۳۷ق) ^۱ از بزرگان تشیع و از اقران و معاصران ملا محسن فیض کاشانی (۱۰۹۱ق)، شیخ حر عاملی (۱۱۰۴ق) و از اعلام قرن یازدهم هجری که به کثرت تألیف و اهتمام به اداره ی امور شرعی از جمله منصب شیخ - لاسلامی و مرجعیت و فتوا معروف است ^۲. مجلسی خود و پدرش از بزرگان علمای عصر صفویه، و از مروجین آثار معصومین علیهم السلام هستند ^۳. پدر محمد باقر شرح مبسوط و نافع بر کتاب من لا یحضره الفقیه نوشته است ^۴ و علاوه بر آن، کتابی با نام «حیاء الاحادیث فی شرح تهذیب الحدیث» در شرح تهذیب شیخ طوسی و تألیفات بسیار دیگری نیز داشت. او از شاگردان بزرگ شیخ بهائی و در علوم اسلامی از سرآمدان روزگار خود به شمار می رفت. مادرش دختر

^۱ . مجلسی دهم فروردین ۱۰۷۸ ش، ۲۰ مارس ۱۶۹۹ م روز دوشنبه ۲۷ رمضان دار فانی را به هنگام طلوع فجر وداع گفت. در همانجا آمده است که محمد باقر مجلسی در ۲۷ رمضان ۱۳۰۷ بدینا آمد.

^۲ . دایرة المعارف تشیع، ص ۹۱.

^۳ . مدیر شانه چی، ص ۸۹.

^۴ . همان، ص ۹۰.

صدرالدین محمد عاشوری است که خود از پرورش یافتگان خاندان علم و فضیلت بود.^۱ و پسر یعنی محمد باقر، کتاب های گرانمایه ای در حدیث تألیف نموده، که اهم آنها *مرآت العقول* در شرح اصول و فروع کافی است که طی چهار مجلد بزرگ در ایران بطبع رسیده است؛ و *بحار الانوار* که در ۲۶ جلد ترتیب یافته و معظم ترین کتاب حدیث در میان فریقین است^۲ می باشد. در *ریحان الادب* آمده است که سال تولد محمد باقر با عدد ابجدی جمله « جامع کتاب بحار الانوار » می شود.^۳ این کتاب چندین بار به صورت ۲۵ جلدی (یا ۲۶ جلدی) چاپ و منتشر گردید. توضیح اینکه طرح اولیه ی *بحار*، آنگونه که مؤلف در نظر داشته، در ۲۵ مجلد بوده، ولی چون او مجلد پانزدهم را با در نظر گرفتن حجم زیاد آن به دو مجلد تقسیم کرده، این اثر ۲۶ مجلد شده است؛^۴ و اخیراً در ۱۱۰ جلد به قطع وزیری به چاپ رسیده است.

لازم به ذکر است که چاپ اخیر آن توسط تعدادی از دانشمندان مقابله و تصحیح گردیده و با تعلیقات ارزشمندی به اهل علم عرضه گردیده است. سید ابراهیم میانجی، سید محمد مهدی موسوی خراسانی، سید هدایت الله مسترحمی، استاد علی اکبر غفاری و محمد باقر بهبودی از جمله ی این دانشمندان محقق هستند. در ضمن عالم گرانقدر محمد باقر بهبودی علاوه بر تعلیقات خود بر پاره ای از مواضع کتاب *بحار الانوار*، مقدمه ی محققانه ای پیرامون کتاب و مؤلف آن، نوشته است که در ضمن مجلد صفر این کتاب در صفحات ۱۷ الی ۳۳ چاپ و منتشر گردیده است.^۵ *بحار الانوار* جامع ترین مجموعه ی حدیث شیعه است که بخش عمده ای از آیات قرآن کریم همراه با تفسیر آنها به تناسب عناوین ابواب و موضوعات درج شده و تقریباً تمامی احادیث نبوی (نیز قدسی) و اخبار و روایات و معارف اهل بیت علیهم السلام در آن درج است و مواد اصلی علوم نقلی و نیز تجربی اعلام و بزرگان شیعه از صحابه ی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و اصحاب ائمه علیهم السلام در آن گرد آوری شده است.^۶

مکتب مجلسی و اعتلای فرهنگ شیعی

عموم دانشمندان بر عظمت و تبحر محمد باقر در علوم عقلی و نقلی و حدیث و رجال و ادب اجماع دارند و کسی که کتاب های تراجم را بررسی کند درخواهد یافت که وی از مردان بزرگ در علوم دین و شریعت است؛ تا جایی که معتقدند مجلسی مکتبی ایجاد کرد که در آن فرهنگ شیعی جان گرفت. مکتب مجلسی در فقه، تاریخ، امامت، اخلاق و بسیاری از مباحث دیگر، تلاش می کرد تا با چینش احادیث در کنار یکدیگر، معارف شیعی را به جامعه عرضه

۱. آقا بزرگ تهرانی، ج ۱، ص ۱۵۱.

۲. مدیر شانه چی، کاظم، ص ۹۰.

۳. مدرس تبریزی، ج ۵، ص ۱۹۶.

۴. *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، مدخل بحار الانوار از مهدی مطیع.

۵. معارف، صص ۱۱-۴۱.

۶. *دائرة المعارف تشیع*، صص ۲-۹۱.

کند. اندیشیدن درباره ی هزاران کتاب شیعه که در کوره‌های حمام یغماگران و فرهنگ کشان به خاکستر تبدیل شده بود و نیز صدها نسخه کوچک و بزرگ روایات که از حوادث روزگار مصون مانده یا در کنج صندوقخانه‌ها پنهان شده بود و یا آنها را به نقاط دور دست دنیا کشیده بودند او را آزار می‌داد. از سوی دیگر تعصب خشک اهل سنت در نابودی ذخیره‌های گرانهای تشیع و احتمال سقوط دولت صفویه به دست دو قدرت بزرگ شرق و غرب اهل تسنن و نفوذ قدرتمندانه صوفیان در دربار و جامعه و نقشه‌های آنان برای تحریف بسیاری از روایات، بی‌توجهی طلاب به کتب روایات و احادیث، بیش از پیش آثار اهل بیت را در معرض خطر نابودی قرار داده بود. از این رو تلاش همه جانبه‌ای برای به دست آوردن آثار تشیع آغاز کرد به گونه‌ای که او در این تلاش وسیع دو بیست اصل (و منبع مکتوب) از اصول چهارصدگانه معتبر شیعه را به دست آورد و نفیس ترین کتابخانه تشیع را گرد آورد. حتی در زمانی که به علامه خبر دادند که نسخه کتاب «مدینه العلم» در یکی از کتابخانه‌های یمن به چشم خورده است علامه این مطلب را با شاه در میان گذاشت. شاه سفیرانی را با هدایای فراوان و گرانها نزد پادشاه یمن روانه آن کشور کرد و از او کتاب «مدینه العلم» را درخواست نمود اما هیچ گاه آن کتاب به دلایل نامعلوم به دست علامه نرسید.^۱ علامه در ادامه کارهای فکری - فرهنگی خود بسیاری از کتب گذشتگان را که علما در مسائل گوناگون نگاهشته بودند احیا کرد و طلاب را به نسخه‌برداری از آنها تشویق و ترغیب نمود و کتابهایی که غبار غربت آنها را فرا گرفته و کسی آن را نمی‌شناخت و مطالعه نمی‌کرد، با دستخط مبارکش در زیر آن می‌نوشت که این کتاب غریب مانده و کسی آن را نمی‌خواند.^۲ امام خمینی نسبت به انتقادهای مطرح درباره همکاری علامه مجلسی با شاهان صفوی، اینگونه ایرادها را ناشی از عدم اطلاع آنها نسبت به واقعیات تاریخ دانسته‌اند. ایشان فرمودند:

«... مثل مرحوم مجلسی و امثال مرحوم مجلسی که در دستگاه صفویه بود، صفویه را آخوند کرد، نه خودش را صفویه کرد، آنها را کشاند توی مدرسه و توی علم و توی دانشو اینها تا آن اندازه‌ای که البته توانستند. بناءً علیه، ما نباید مقایسه بکنیم که روحانیون یک وقتی اگر وارد شدند، الان هم ما اگر بتوانیم، ما آن وقت هم اگر می‌توانستیم آن طوری که آنها می‌خواستند خدمت کنند ما هم وارد می‌شدیم، برای اینکه مقصد این است که انسان درست بکنیم، اگر انسان بتواند که محمد رضا را انسان کند بسیار کار خوبی است. انبیا برای همین آمده‌اند»^۳.

ایشان در جای دیگر در همین خصوص فرمودند: «... یک طایفه از علما، اینها گذشت کرده‌اند از یک مقاماتی و متصل شدند به یک سلاطین، با اینکه می‌دیدند که مردم مخالفند، لکن برای ترویج دیانت و ترویج تشیع اسلامی و ترویج مذهب حق، اینها متصل شدند به یک سلاطین و این سلاطین را وادار کردند خواهی نخواهی برای ترویج مذهب،

۱. ج. ۹، ص ۱۸۳

۲. زندگینامه علامه مجلسی، ج ۱، ص ۱۱۷

۳. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۸، ص ۸.

مذهب تشیع، اینها آخوند درباری نبودند. این اشتباهی است که بعضی نویسندگان ما می‌کنند. سلاطین، اطرافیان این آقایان بودند. اینها اغراض سیاسی داشتند، اغراض دینی داشتند، نباید تا کسی به گوشش خورد که مثلاً مجلسی - رضوان الله علیه، محقق ثانی رضوان الله علیه، شیخ بهائی رضوان الله علیه، با اینها روابط داشتند، می‌رفتند سراغ اینها، همراهی‌شان می‌کردند... خیال کند که اینها مانده بودند برای جاه و عزت، و احتیاج داشتند به اینکه شاه سلطان حسین، یا شاه عباس به آنها عنایتی بکنند، این حرفها نبوده در کار. آنها گذشت کردند، یک مجاهده نفسانی کردند، برای اینکه مذهب را به وسیله آنها، به دست آنها ترویج کنند، وقتی جلوگیری از سب حضرت امیر می‌خواستند بکنند: در یکی از بلاد ایران شنیدم اجازه خواستند که خوب، شش ماه دیگر صبر کنید ما سب‌اش کنیم! اینها در یک هم‌چو محیطی که سب امیر این طورها بوده و رایج بود و از مذهب تشیع هیچ خبری نبود و هیچ اسمی نبود، اینها رفته‌اند، مجاهده کرده‌اند. خودشان را پیش مردم، مردم آن عصر شاید اشکال به آنها داشتند از باب نفهمی، چنانچه حالا هم اگر کسی اشکال کند نمی‌داند قضیه را، غرض ندارد، نمی‌داند قضیه را.»^۱

اشاعه ی معارف به زبان فارسی

از ابتکارات بسیار مهم در ترویج معارف شیعی تدارک کتاب‌هایی به زبان فارسی بود، یعنی زبانی که عامه مردم به آن آشنا بودند.^۲ در مکتبی که مجلسی بنای آن را نهاده بود، سعی بر این بود تا زبان فارسی مد نظر بوده و متون و احادیث انتخاب شده با ترجمه فارسی ارائه شود. بدون شک، در همین دوره، پایه‌های گسترش عمیق معارف شیعی در بخش‌های مهمی از جامعه ایران ریخته شده است. هر چند این حرکت از پیش شروع شده بود، اما به هیچ روی در چنین دامنه گسترده‌ای نبود. مجلسی خود الگویی برای پیاده کردن این روش بود و بخش عمده‌ای از شاگردان وی هم همین مشی را ادامه دادند.

فریده ی دهر

^۱ امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱، صص ۹-۲۵۸

^۲ جناب آقای بهاء‌الدین خرمشاهی مقاله‌ای با عنوان «بحارالانوار» نوشته‌اند که در دائرةالمعارف تشیع (ج ۳، ص ۹۸-۹۱) چاپ شده است و در کتاب سیر بی سلوک نیز آمده است. در این مقاله آمده است: «او ۱۳ کتاب به عربی و ۵۳ کتاب به فارسی دارد»

ظاهراً نویسنده این عبارت را از مقدمه مرحوم آیت الله ربانی بر جلد اول بحار گرفته است که در آن مقدمه سیزده کتاب عربی و ۵۳ کتاب فارسی از علامه مجلسی نام برده و فرموده چند کتاب نیز منسوب به ایشان است. ولی شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعه مجموعاً ۷۸ کتاب از علامه مجلسی نام برده است. گرچه مرحوم امیر محمد حسین خاتون آبادی در فهرست تالیفات علامه مجلسی تنها ده کتاب عربی و چهل و نه کتاب فارسی را نام برده است، اما به هر حال قدر مسلم آن است که تألیفات علامه مجلسی بیش از آن است که در مقاله آقای خرمشاهی آمده است. همچنین مؤلفان کتابشناسی مجلسی در مجموع، نوزده کتاب و رساله و وصیت عربی و هفتاد کتاب فارسی از علامه مجلسی را با نقل آغاز و انجام هر کدام، معرفی کرده‌اند. (موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت علیهم السلام)

کتاب بحار چنانچه از نامش پیداست از مجموعه های بزرگ روایی است که با استفاده از روایات معصومین علیهم السلام تألیف و تدوین شده است. چنین دایره المعارف پرموضوع و مدخلی نه در ده قرن اول تاریخ شیعه، تا عصر عباسی و نه در سه قرن کاملی که از وفات او میگذرد، در عالم تشیع و نیز سایر مذاهب اسلامی نوشته نشده است که همه ی شئون اندیشه و عمل و عقاید و احکام اسلام و تشیع را از ملک تا ملکوت و از جنین تا جنان در بر داشته باشد. این مجموعه در ۲۳۲۷ باب و در طی مدت سی و شش سال از ۱۰۷۰ تا ۱۱۰۳ ق به پایان برده است.^۱

هدف مجلسی از تألیف بحار

مجلسی در مقدمه ای که در ابتدای این کتاب نوشته، انگیزه خود را از تألیف و نوع کتبی را که استفاده کرده، آورده است و در همین راستا شرایط و ویژگی های سندی احادیث و کتبی را که از آنها نقل کرده ذکر می کند. با مراجعه به این مقدمه چنین بدست می آید که: هدف مجلسی در درجه نخست احیاء تراث شیعه و ذخائر اهل بیت عصمت علیهم السلام بود. بنابر این جلوگیری از فراموشی یا نابودی کتب حدیثی و همچنین دست یابی به تمامی احادیث یک موضوع از مهمترین انگیزه های ایشان می باشد. امام خمینی پیرامون بحارالانوار می فرماید: بحار خزانه ی همه ی اخباری است که به پیشوایان اسلام نسبت داده شده، چه درست باشد یا نادرست، در آن کتابهایی هست که خود صاحب بحار آن‌ها را درست نمی داند و او نخواست کتاب علمی بنویسد، تا کسی اشکال کند که چرا این کتابها را فراهم کردی.^۲

محمد باقر مجلسی پس از آنکه مؤلفات شیعه را تا سر حد امکان تحصیل می کند و به تکثیر نسخه های آن می پردازد، به فکر می افتد که برای این میراث عظیم، فهرستی تهیه کند که وصول علاقه مندان را به آبخشور این دریای عظیم علم و معرفت آسان کند. مجلسی در مقدمه این کتاب می نویسد: «... ثم بعد الاحاطة بالکتب المتداولة المشهورة تتبعت الاصول المعتبرة المهجورة التي تركت في الاعصار المتطاولة و الازمان المتماضية اما لاستيلاء سلاطين المخالفين و ائمة الضلال او: لرواج العلوم الباطلة بين الجهال المدعين للفضل و الكمال، أو لقلّة اعتناء جماعة من المتأخرين بها، اکتفاءً بما اشتهر منها، لكونها اجمع و اکفی و اکمل و اشفی منکل واحد منها...^۳. بعد از احاطه به کتاب های متداول و

^۱ . دایره المعارف تشیع، ص ۹۲.

^۲ . خمینی، کشف الاسرار، ص ۲۵۰.

^۳ . فطفقت أسأل عنها في شرق البلاد وغربها حينا، وألح في الطلب لدى كل من أظن عنده شيئا من ذلك وإن كان به ضنينا. ولقد ساعدني على ذلك جماعة من الاخوان، ضربوا في البلاد لتحصيلها، وطلبوها في الاصقاع والاقطار طلبا حثيثا حتى اجتمع عندي بفضل ربي كثير من الاصول المعتبرة التي كان عليها معول العلماء في الاعصار الماضية، وإليها رجوع الافاضل في القرون الخالية، فألفيتها مشتملة على فوائد جمه خلت عنها الكتب المشهورة المتداولة، واطلعت فيها على مدارك كثير من الاحكام اعترف الاكثرون بخلو كل منها عما يصلح أن يكون مأخذا له فبدلت غاية جهدي في ترويجها وتصحيحها وتنسيقها وتنقيحها. ولما رأيت الزمان في غاية الفساد ووجدت أكثر أهلها حائدين عما يؤدي إلى الرشاد خشيت أن ترجع عما قليل إلى ما كانت عليه من النسيان والهجران، وخفت أن يتطرق إليها التشتت، لعدم مساعدة الدهر الخوان، ومع ذلك كانت الاخبار المتعلقة بكل مقصد منها متفرقا في الابواب،

مشهور، در مورد کتاب هایی که از اصول روایی معتبر بود استفاده نمودم، آنهایی که علی رغم اعتبار روایی، مهجور مانده بود و در طول قرن های متمادی وا گذاشته شده، و مورد توجه قرار نگرفته بود. این عدم توجه ممکن است از جهت سلطه ی پادشاهانی که مخالف بودند؛ یا به خاطر رواج باطل در بین افراد نادان و مدعی فضل و کمال، یا به خاطر کم توجهی گروهی از متأخرین باشد به خاطر اینکه کتاب های مشهور را کافی می دانسته اند و آنها را جامع تر و کامل تر و کارسازتر از هر یک از آنها دیده بودند. پس ابتدائاً با اصرار از شرق و غرب سرزمین ها خواستم که هر چه هست را نزد من آورند و در این زمینه کوتاهی نکنند. گروهی از دوستان برای بدست آوردن این کتاب ها، به شهرها و قصبه ها و سرزمین های نزدیک و دور رفتند و به فضل پروردگرم تعداد زیادی از اصول معتبره نزد من گرد آمد که مورد عنایت دانشمندان در زمان های گذشته بود ولی در این زمان از رجوع فضلاء به آنها خبری نبود. با نظر افکندن به این کتاب ها دریافتم که آنها، مجموعه های کامل و جامعی است و مدارک بسیاری از احکام، در آنها موجود است و ...»

سپس می آورد که نخست کتاب های حدیثی متداول و مشهور شیعی را بدقت خوانده، پس از آن به جستجوی اصول معتبر حدیثی پرداخته که به عللی - از جمله موانع سیاسی، و عدم اهتمام به استنساخ و نگاهداری آنها به علت شمول و شهرت جوامع حدیثی متأخر - مهجور مانده و چه بسا بیشتر نسخه های آنها از بین رفته است.^۱

موارد فوق حکایت از اصول معتبره و کتبی است که اعتماد به آنها می شود و از نظر مؤلف مشکل آنها عدم اعتبار نیست؛ بلکه مهجور ماندن و در دسترس نبودن است. همانطور که قبلاً گذشت مؤلف خود از جهات نقل حدیث دارای اجازه و مورد وثوق خاص و عام است. بنابر این مطلب نقل شده، که اشاره به کتب معتبره دارد، از کسی است که اعتبار علمی و فقهاتی برای خاص و عام داشته است و بنابر این منابع ایشان دارای اعتبار و مورد وثوق بوده است. این کتاب شامل احادیث اعتقادی، تواریخ، قصص انبیاء و ائمه اطهار علیهم السلام و ابواب مختلف فقهی است و در قسمت های تاریخی آن از کتب اهل سنت فراوان نقل شده است. در قسمت السماء و العالم به ذکر اقوال حکماء و اطباء و تطبیق اقوال آنان با روایات مطالبی بیان نموده است.^۲ مجلسی خود می آورد: «... از فوائد روش ما این است که کتاب حاضر

متبددا فی الفصول، فلما یتیسر لاحد العثور علی جمیع الاخبار المتعلقة بمقصد من المقاصد منها، ولعل هذا ایضاً کان أحد أسباب ترکها، وقله رغبة الناس فی ضبطها. فعزمت بعد الاستخاره من ربی والاستعانة بحوله وقوته، والاستمداد من تأییده ورحمته، علی تألیفها ونظمها وترتیبها وجمعها، فی کتاب متسق الفصول والابواب، مضبوطة المقاصد والمطالب، علی نظام غریب وتالیف عجیب لم یعهد مثله فی مؤلفات القوم ومصنفاتهم، فجاء بحمد الله کما أردت علی أحسن الوفاء، وأتانی بفضل ربی فوق ما مهدت وقصدت علی أفضل الرجاء. فصدرت کل باب بالایات المتعلقة بالعنوان ثم أوردت بعدها شیئا مما ذكره بعض المفسرین فیها إن احتاجت إلی التفسیر والبیان. (ج ۱، ص ۴)

۱. بحار، ج ۱ ص ۲ - ۵.

۲. دانشنامه جهان اسلام، ص ۲۶۱.

۳. معارف، صص ۱۱-۴۰۵

فصول و ابواب بسیاری دارد که مؤلفان شیعه آنها را فرو گذاشته اند، و کتاب مستقل و مفرد یا بابی مستقل و مفرد از آنها فراهم نکرده اند، نظیر کتاب عدل و معاد، و ضبط تواریخ انبیاء و ائمه (ع)، و کتاب السماء و العالم مشتمل بر احوال عناصر و موالید و نظایر آنها ...^۱ بطور کلی در عده ای از مجلدات آن، بیاناتی در توضیح مشکلات، و جمع متنایات احادیث، افاده نموده که تبصر وی را در فنون ادب، و علوم تفسیر و حکمت و کلام می رساند. و خلاصه می توان گفت که بحار گنجینه ی بزرگ و ذی قیمتی است که مؤلف در جمع و تدوین آن، رنج فراوان برده و در نتیجه منت بزرگی بر عالم تشیع گذارده است.^۲

در مجموع چنین حاصل می شود که با وجود فضای اخباری گری در ایران آن زمان، و وجود قدرت حاکمه، و عدم امکان تغییر آنها در زمان محدود؛ مجلسی تمام هم خود را به ترویج اصول اعتقادی و عملی تشیع مصروف داشته و بدون فوت وقت و نیرو، سعی در ایجاد فضای تفاهم و یکدلی نموده و از تفرقه که عامل قلع و قمع حق از جامعه است دوری گزیده و به جای آن روشی اتخاذ نموده که قدرت موجود را در اختیار دین و دینداران گذاشته و در جهت گسترش فرهنگ شیعه بکار گرفته است. امروز آرزوی هر فرد شیعه دلسوز این است که از امکانات موجود برای بهره- برداری دینی بتواند بالاترین و گسترده ترین اثرات را بار بانشاند. گویا مادر زمانه باید که مجلسی دیگری را به جامعه شیعه هدیه دهد تا یکبار دیگر شاهد شکوه استقرار تشیع در جهان اسلام؛ و ضعف تشعبات باطل و فرقه های ضاله باشیم.

ویژگی مستندات و آثار مجلسی

در مورد آثار و تألیفات مجلسی به این نکات می توان اشاره کرد:

الف) پاسداری از حریم اعتقادات شیعه

از گرایش های مؤلف در کتاب بحار الانوار و همچنین در دیگر آثار وی، پاسداری از حریم معتقدات شیعه و تثبیت جایگاه مذهب است. نمونه این نوع تلاش وی، بیش از همه در شرح زندگانی حضرت فاطمه ی زهرا (ع) یا در شرح خطبه ی شقشقیه پیداست.^۳ توجه خاص وی به توسل به ائمه اطهار علیهم السلام و نوشتن کتب مستقلی مثل زاد المعاد، تحفه الزائر و شرح یا ترجمه ی دعاهایی مثل جوشن کبیر و سمات و جامعه ی کبیره احیاء سنتی است که جامعه ی آنروز را به سوی حب اهل البیت علیهم السلام سوق می دهد.

ب) کثرت تألیفات به زبان فارسی

۱. مقدمه، ص ۵.

۲. مدیر شانه چی، ص ۲-۹۱.

۳. بحار الانوار، چاپ کمپانی، ج ۸، ص ۱۰۵، ۱۳۶، ۱۶۱؛ به نقل از دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۱، ص ۳۷۳.

یکی از ویژگی های مهم آثار مجلسی کثرت تألیفات به زبان فارسی و ترجمه ی روایات می باشد. ۸۶ کتاب و رساله ی فارسی^۱ در زمانی که نگارش کتاب به زبان فارسی، نوعی بی سوادگی تلقی می شد، نشان دهنده ی این است که علامه بر علیه تفکرات غالب بر افکار علماء به برهم زدن سنت غلط رایج دست می زند و روشی اتخاذ می کند که عامه مردم بتوانند به متون دینی و حدیثی دست پیدا کنند. استاد جعفر سبحانی در «مقاله ابتکارات علامه مجلسی» می نویسد: شکی نیست که زبان عربی، زبان قرآن و احادیث نبوی و ائمه اطهار است و از مهمترین عوامل پیوند و وحدت مسلمانان می- باشد. لذا عمده علمای اسلام - بدون توجه به زبان اصلی خود- با همین زبان، یعنی زبان عربی به تألیف می پرداختند. از این جهت می بینیم که زبان عربی بر اغلب تألیفات و تصنیفات آنان تسلط کامل یافته است.

اما تألیف فقط به زبان عربی منحصر نمی شد، بلکه برخی از مؤلفان، تألیفات خود را به غیر زبان عربی، یعنی به زبان قومی و ملی خود می نوشتند. زیرا دریافتند که بسیاری از مسلمانان، تسلط کافی به زبان عربی ندارند. در صورتی که به درک مفاهیم شرعی و آموختن آن ها نیاز دارند. لذا ناچار شدند کتاب های زیادی را به زبان اصلی خود و برای خدمت به قوم و ملت خود، تألیف نمایند. علامه مجلسی از جمله افرادی است که به این منظور، همت گماشت و کتاب هایی را به زبان فارسی نوشت که تعداد آن ها بالغ بر ۵۴ کتاب و رساله است؛ از جمله عین الحیاء، حق الیقین، جلاء العیون و ... که در شرح حال ایشان ذکر شده است.^۲

ج) بکارگیری هنر در تأثیر بخشی بر احساسات دینی

اگر چه امروزه هالیوود و والت دیسنی و شرکت های فیلم سازی و تبلیغاتی بزرگ دنیا دریافته اند که برای رسیدن به تأثیر عمیق و پایدار باید از عوامل تأثیر گذار بر احساسات استفاده کرد و روح و جان آنها را با شیرینی آن درآمیخت؛ ولی مجلسی در سه قرن قبل از این، برای بدست آوردن این تأثیر چاووشی خوانی را ابداع کرد. چاووشی خوانی^۳ نیز از سنت های شیرین و جذابی است که مجلسی احیاگر آن بود و در نهادینه شدن فرهنگ تشیع و یافتن زیبایی های آن در

۱. دوانی، ج ۸، ص ۱۵۹.

۲. مهریزی؛ ص ۳۶۱

۳. علامه محمد تقی تستری ضمن حکایتی نقل می کند در رؤیا محمد حسن اصفهانی مجلسی را در مقامی والا دیده بود علت را اینطور آورده که ایشان نزد امامان به باب الاثمه شهرت دارد و این مقام جهت سنت چاووشی است که در شیعه برای زوار برقرار ساخت. این مطلب را محدث قمی در الفوائد الرضویه، ج ۲، ص ۴۱۵ و در الکنی و الالقباب، ج ۳، ص ۱۲۴، از صاحب جواهر با اندکی اختلاف نقل می کند چاووشی این است که در استقبال از زائر، در پیشاپیش آنان کسی به صدای بلند اشعاری می خواند و دیگران یک مصرع آن را تکرار میکردند.

برای نمونه: بریده باد زبانی نگوید این کلمات به باب فاطمه پیغمبر خدا صلوات
باد بر مصطفی و دامادش تا صف حشر دم به دم صلوات
به علی شاه لافتی صلوات. (مهردی، صص ۷۱-۱۶۹)

نفوس و جان‌ها هنرمندانه آن را بکار گرفت^۱. هم‌اکنون نیز از جلاء العیون مجلسی و بخشهایی از بحار الانوار او، در این جهت استفاده می‌شود. به نظر می‌رسد مجلسی در به‌کارگیری هنر، از زمان خویش جلوتر بود و از روش‌هایی بهره می‌برد که شاید مردم، در یک یا دو قرن پس از او به این فکر افتاده و برای جلب نظر و افکار از آنها بهره جستند. مسلمانان در هنرهای بصری^۲ زمینه‌های مختلفی از خود در دوره‌های مختلف شکوفایی اسلام نشان دادند، ولی در هنرهای سمعی و جلب عواطف و احساسات کمتر می‌توان کاری پایدار یافت.

د) مجلسی خود را در زمره ی اخباریان قرار داد

اینکه مجلسی خود را در زمره ی اخباریان قرار داد شاید به خاطر رواج علوم عقلی بود که حدیث و فقه را تحت الشعاع قرار داده و از اهمیت آن در جامعه کاسته و خطر زوال آن را حس کرده بود. همانطور که گذشت، شیعه در آن زمان به خاطر جنگ‌ها و مسائلی که بر جامعه در قبل از صفویه بر مردم رفته بود از جهت منابع حدیثی در مضیقه بود؛ او به گونه‌ای عمل کرد که در عین حال که به شدت در پی مستندات روایی بود، و خود جزو مروجین آثار و اخبار امامیه به شمار می‌رفت و گروهی را نیز به این مهم گمارده بود؛ علاوه بر آن، این مسائل را طوری در جامعه رقم زد که موجبات هیچگونه نزاعی بین شیعه و سنی را فراهم نکرده. دانشمندان و پژوهشگران او را از علمای معتدل اخباری دانسته‌اند. لازم به ذکر است که وینیز مسلک خود را «طریق وسطی» روش مجتهدان و اخباریان می‌نامد.^۳

ه) اثرگذاری علامه بر فرهنگ اسلامی

تلاش مجلسی در کارهای علمی و امور اجتماعی در جهت عرضی و در عصر خود، فراگیر نمودن فرهنگ دینی؛ و در جهت طولی تعمق بخشیدن و ارزشی نمودن حرکت‌های علمی بود. «اثرگذاری علامه بر فرهنگ اسلامی و خدمات او به جامعه ی مسلمین تا حدی گسترده بود که حتی ادوارد براون انگلیسی که همواره نظرات مغرضانه‌ای در مورد مجلسی داشت را نیز به اعتراف مجبور نمود^۴».

و) کثرت شروح بر کتب روایی

این مسئله که مجلسی بسیاری از آثارش را به زبان فارسی نوشته و سعی در ترجمه روایات و شرح آنها داشته نشان دهنده این است که ایشان در نظر داشته مفاهیم دینی برای عموم مردم قابل درک باشد و استفاده از آن برای همه میسر گردد. عمومیت و شمول از موارد مورد اهمیت در فرهنگ سازی است که وی بدان توجه نموده است. وقتی موضوعات

۱. سایت علامه مجلسی.

۲. مثل کاشی کاری، خطاطی، معرق و ...

۳. جعفریان، ج ۲، صص ۹۰-۵۸۹

۴. مفاخر اسلام، ج ۸، ص ۲۲۷؛ راسخون، یحیی صالح زاده، با تصرف.

دینی سهل الوصول باشد ارتکازات خودآگاه یا ناخودآگاهی را به همراه دارد و نتیجه اش فرآیند دینی شدن جامعه می باشد.

روش کار

الف) روش کار مجلسی در وارد کردن مطالب

استاد جعفر سبحانی در مقاله ابتکارات علامه مجلسی می نویسد: روش رایج و متداول در میان علما برای تألیف و تصنیف، همان روش کار فردی و پژوهش انفرادی است. لذا هریک از آنان با همتی عالی و عزمی راسخ به تألیف دایرةالمعارف بزرگی می پرداختند که گاهی این عمل با موفقیت همراه بود و امکان داشت با توجه به تلاشی که می کردند، کارشان خالی از عیب و نقص نباشد. اما چنان چه گروهی از محققان و متخصصان فن برای به ثمر رساندن این کار، کمر همت ببندند، آثارشان کم تر دچار نقص می شود و در مقابل، فواید فراوانی در بر خواهد داشت. قرن ها پیش از مجلسی، گروه اخوان الصفا در تألیف دایرةالمعارف فلسفی بزرگی همکاری کردند و همین روش به جهان غرب سرایت کرد و در آن دیار رواج یافت. علامه مجلسی این پدیده را در تألیف بحار الانوار به کار گرفت و از گروهی از شاگردان خویش کمک گرفت، شاگردانی که تعداد آنان به دویست نفر از افراد مختلفی چون مجتهد، محدث، مفسر، ادیب، مورخ، مصحح، و غیره می رسید و خود فقط به تفسیر احادیث مشکل و حل مشکلات و پیچیدگی های آن ها می پرداخت. لذا در نسخه های اصلی و اولیه می بینیم که حدیث با یک خط و شرح با خط دیگری که همان خط علامه مجلسی است، نوشته شده است، که این خود نشانگر داشتن یک برنامه ریزی درست و یک جدول کاری منظم می باشد، که مسؤلیت هر یک از افراد را در جمع آوری این دایرةالمعارف، مشخص می کند.^۱

ب) روش کار مجلسی در استنادات بحار الانوار

برخی چنین پنداشته اند که مجلسی همچون «حاطب لیل» عمل کرده و هر چه از هر جا به دستش رسیده در کشکول عظیمی گنجانده و گوهر و خزف را به یک رشته کشیده است، ولی این ارزیابی شتابزده و غیرمسئولانه است. یکی از مهمترین و اصیل ترین اسنادی که اندیشه و برنامه ی مجلسی را باز می نمایاند سر آغاز مقدمه پر اطلاع اوست که گزاره هایی از آن نقل می شود: «... اساس علم را در کتاب الله و اخبار اهل بیت رسالت یافتیم ... بعد از احاطه ی به کتب متداوله ی مشهور، اصول معتبره ی مهجوره ای را که در طی اعصار و قرون متمادی متروک مانده بود به تتبع گرفتیم و در شرق و غرب به کند و کاو برخاستیم... و در این کار جماعتی از دوستانم یاری کردند و برای تحصیل منابع و مواد با شور و شوق به شهرها سفر کردند. تا به فضل الهی بسیاری از اصول معتبره که مدار اعتماد علما در قرون گذشته بوده است، به دست آمد و آنها را مشتمل بر فوایدی یافتیم که در کتب مشهوره ی متداوله موجود نیست و بر مدارک بسیاری

^۱. مهریزی، ص ۳۶۰.

از احکام اطلاع پیدا کردم ... و نهایت کوشش خود را برای ترویج و تصحیح و تنسیق و تنقیح آنها به کار بردم ... و این مواد در باب های متفرق بود، و شاید به دلیل همین پراکندگی، مردم رغبتی به ضبط آنها نشان نداده اند. ... بعد از استخراج از پروردگرم و یاری خواستن از حول و قوه ی او، به تألیف و نظم و ترتیب و جمع آن در کتابی که فصول و ابواب آن جمع و جور باشد و ضبط و ربط داشته باشد، کوشیدم تا با نظامی خوشایند که در میان مؤلفات مصنفات قوم اسلامی سابقه نداشته باشد فراهم آورم ...^۱»

مجلسی در کتاب *بحار الانوار*، در آغاز هر باب آیات متناسب با آن را درج نموده، سپس اگر به تفسیر و بیان نیاز بوده، قسمتی از اقوال مفسران را ذکر کرده است. او ضمناً در هر باب تمام خبر یا خبر مربوط به عنوان باب را آورده و اشاره می کند که تمام خبر را در جای مناسب دیگر با ذکر باب آورده است.^۲ از وجوه ارزنده ی این کتاب اختصار سندی است که مجلسی در فصل چهارم مقدمه درباره ی آن توضیح روشنی می دهد: روش مختار ما در اختصار اسناد است، با پرهیز از ارسال محض یعنی حذف همه اسانید و سلسله ی روایت که موجب کاهش اعتماد می گردد. چه روش اثر مؤلفان تطویل در شمردن رجال خبر به قصد تزیین کتاب خویش و تکثیر ابواب آن است. بعضی دیگر به جای افراط به تفریط کشیده می شوند و اسانید را به کلی حذف می کنند و با این کار از درجه ی مسند بودن سقوط می کند و تمییز بین قوت و ضعف و کمال و نقصان خبر از دست می رود، ما شیوه ی بینا بینی پیش گرفته ایم و در مورد مشاهیر رجال فقط نام والد یا لقب آنها یا فقط اسمشان را بدون ذکر نسبت به جد و پدر و کنیه و لقب، و در مورد کتاب ها نیز رمز یا علامت اختصاری آنها را می آوریم.^۳

ج) مصادر و منابع بحار الانوار

در تألیف *بحار الانوار* از منابع بسیاری استفاده شده است. مجلسی در فصل اول از مقدمه ی *بحار*، ابتدا نام ۳۷۸ کتاب شیعی را به عنوان مصادر بحار از ۲۵ نویسنده^۴ با ذکر مؤلفان آنها آورده و به آثاری دیگر، با کلماتی چون « و غیره» و «و سایر آثاره» اشاره نموده است. به عبارتی میزان استفاده مجلسی از منابع مختلف یکسان نیست. وی برای حدود ۸۰ منبع از مصادر *بحار* اسم رمز مشخص کرده است که این کتب در حقیقت منابع اصلی *بحار* به شمار می روند و سپس ۸۵ منبع از اهل سنت را نیز نام برده که در تدوین *بحار* از آنها استفاده کرده است. برخی از محققان با بررسی مطالب نقل شده در *بحار*، نام ۶۲۹ مصدر از منابع این کتاب را مشخص کرده اند.

۱. بحار، ج ۱، ص ۳؛ دایرة المعارف تشیع، صص ۵- ۹۴

۲. معارف، ص ۴۰۸.

۳. بحار، ج ۱، ص ۴۸.

۴. همان، ۲۴-۴.

۵. دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۱، ص ۳۷۲؛ و به نقل از دانشنامه جهان اسلام ۳۶۵ کتاب و رساله، ص ۲۷۰.

این منابع از حیث تنوع موضوعات بسیار گسترده اند و شامل کتب حدیث، فقه، اصول، تفسیر، رجال، انساب، تاریخ، کلام، فلسفه و لغت می شوند. بخش زیادی از این منابع به منظور شرح و تبیین روایات مورد استفاده قرار گرفته است. نکته قابل توجه اینکه، بر خلاف وافی که به جمع آوری کتب اربعه و تبویب آنها پرداخته است؛ مجلسی به خاطر اشتها کتب اربعه، از آنها مطالب فراوانی نقل نکرده است. وی در آخر فصل سوم مقدمه^۱ تصریح کرده که قصد نقل احادیث کتب متواتر خصوصاً کتب اربعه ی شیعه را، مگر در بعضی جاها، ندارد؛ البته از میان کتب اربعه کتاب کافی از این قاعده مستثنی است و بیش از ۳۵۰۰ مورد به آن استناد شده است، اما در مورد سه کتاب دیگر چنین نیست. مثلاً از کتاب *من لا یحضره الفقیه* کمتر از یکصد مورد در بحار نقل شده است. وی علت این امر را احتمال عدم استنساخ این کتاب ها و در نتیجه متروک شدن آنها ذکر کرده است.^۲

د) استنادات مجلسی در بحار به منابع شیعه

مجلسی در فصل اول اصول و کتبی را که از آنها استفاده شده، آورده است. بسیاری از اصول، کتب و رسائل معتبر منسوب به ائمه علیهم السلام و اصحابشان است و علمای امامیه را مبنا قرار داده و بنابر همین موضوع هدف اصلی مؤلف گردآوری و تدوین موضوعی اخبار شیعه امامیه بوده است. منابع شیعی که در بحار استفاده شده حدود چهارصد کتاب است.^۳ ولی به خاطر اشتها کتب اربعه از آنها مطالب فراوانی نقل نکرده است.^۴ بهبودی در مقدمه بحار الانوار در جلد صفر می نویسد: «مؤلفنا العلامة قد اتقن عمله فی ذلک و أوضح طریقه الی المعصوم فی کل من الوجهین: اما القسم الاول: قد صنف فیه کتاب الاجازات، لیتضح طریقه الی المصادر المذكوره فی متن الاجازات، و ما لم یذکر - و هو القلیل منها - قد ابان فی مقدمه البحار کیفیه تحصیلها و الظفر بالنسخ المعتبره منها، معترفاً بأنها غیر متواتره... و اما قسم الثانی من طریق المؤلف، أعنی ذکر رجال الاسناد، فقد احتاط قدس سره فی ذلک أشد الاحتیاط مع ما کان بصدد الاقتصار و الحذر من التظویل علی ما سیجیی شرحه، قد ذکر رجال المصدر، بحیث خرج عن الابهام و الارسال.»^۵

^۱ همان، ج ۱، ص ۴۸.

^۲ سایت الهیات شیعه.

^۳ مجلسی در فصل اول از مقدمه نام ۳۷۵ کتاب را به عنوان مصادر بحار آورده و به آثار دیگری با کلماتی چون «و غیره» و «و سایر آثاره» اشاره نموده است.

^۴ به جز کافی که بیش از ۳۵۰۰ مورد به آن استناد شده، ولی مثلاً از *من لا یحضره الفقیه* کمتر از یک صد مورد نقل دارد.

^۵ علامه کارش را در استحکام تمام انجام داده است و طریقهش را تا معصوم علیه السلام در هر دو جهت توضیح داده است: اما قسم اول: اینکه در آن کتاب اجازات را تصنیف کرده و تا طریقهش به مصادر مذکور را در متن اجازات روشن کند. و آنچه ذکر نشده - که کمی از آنها می باشد - کیفیت بدست آوردن آنها و نسخه معتبر را در بین آنها را در مقدمه بحار آورده است البته با اعتراف به اینکه آنها متواتر نیستند... و اما قسم دوم از طریق مؤلف است، و منظورم ذکر رجال اسناد است، که در آن به شدت

ه) استناد مجلسی به منابع اهل سنت

در باره ی استناد مجلسی از منابع اهل سنت باید گفت: هدف مجلسی نقل و دسته بندی روایات اهل سنت نبوده است، اما در مواردی مطالبی را از برخی منابع اهل سنت همچون کتب لغت و شرح روایت به منظور تصحیح الفاظ روایت و تعیین معانی آنها نقل کرده است. ۲۰ مورد از کتب لغت در مصادر بحار است. ۱۴ مورد شرح از کتب اهل سنت است ولی در مجموع نقل روایت از منابع اهل سنت کم است. مجلسی گاهی روایاتی را مستقیم یا غیر مستقیم از اهل سنت نقل کرده است، بیشترین ذکر مجلسی از روایات کتب اهل سنت، آنگونه که خود تصریح می کند، برای یکی از سه امر بوده است: ۱- شرح و توضیح الفاظ و معانی آنها، ۲- برای احتجاج و رد اشکالات آنها با توجه به منابع خودشان، ۳- به منظور بیان مورد تقیه، زیرا بیان روایات و دیدگاه های اهل سنت می تواند محققان را برای شناسایی روایاتی که از امامان شیعه از باب تقیه وارد شده است یاری کند. ۴- برای تأیید و توضیح روایات شیعه. در حقیقت بیشترین ذکر مجلسی از کتب اهل سنت به جهت تأیید یا توضیح روایات یا برای رد روایات عامه است.

و) اعتبار منابع بحار الانوار

برخی همه منابعی که مجلسی در بحار از آنها بهره جسته است را از منابع مورد اعتماد دانسته اند و می آورند که مجلسی در انتخاب منابع نهایت دقت را داشته و همش این بوده که از منابعی که صحیح الاستناد هستند استفاده کند. او می نویسد مجلسی در صحت انتساب این کتاب ها به مؤلفان آنها بحث کرده، بعلاوه میزان اعتماد خود را بر نسخه های فراهم شده از آن کتب و چگونگی نقل مطلب از آنها را بیان کرده است.^۱ او از استفاده از منابعی که سند نداشته یا برخی اشکالات دیگر داشته، خودداری نموده است. مجلسی در فصل دوم از مقدمه بحار بحث گسترده ای در اعتبار منابع و نسخه های کتب آورده است و به بیان وثوق و اختلاف نسخ منابع می پردازد و به صراحت بیان می کند که آنچه را به نظر خودش وثاقت داشته، و از لحاظ متن و سند بی اشکال بوده، در کتابش آورده است.^۲ از جمله اینکه: همان طور که قبلاً گذشت، بسیاری از این کتب انتسابشان به مؤلفین بسیار مشهور و موثق است.

برخی از کتب چون احتجاج و غرر الحکم، که اسناد روایات را حذف کرده اند، به دلیل اینکه روایاتشان مطابق با دیگر کتب بوده است، معتبر دانسته شده اند. از کتبی مانند عوالی اللالی و تنبیه الخواطر، که روایات شیعه و سنی را مخلوط کرده اند، بسیار کم استفاده شده است. روایات برخی از کتاب ها مثل کتاب قاضی نور الله شوشتری، چون در منابع مشهورتر عیناً آمده از آن منابع نقل شده است. از کتاب های مصباح الشریعه و دیوان امام علی (علیه السلام) بسیار

احتیاط به خرج داده است؛ با اینکه قصدش اختصار و پرهیز از تطویل بود، رجال را ذکر نمود بطوری که از ابهام و ارسال خارج کند. بهبودی، مقدمه بحار الانوار، ج صفر، صص ۶-۲۲

^۱ دانشنامه جهان اسلام، ص ۲۷۱.

^۲ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۱، ص ۳۷۲.

کم نقل شده است، چرا که این کتب فاقد سند می باشند و مطالب آنها چندان به کلام معصوم علیه السلام شباهت ندارد. مجلسی صحیح ترین و معتبرترین نسخه ها را در حد امکان به دست آورده است؛ از این رو، به صحت و اعتبار مصادر مورد استفاده در بحار، شهادت داده است. البته این به معنی قبول تمام روایات آن کتب نیست؛ چنان که مجلسی نیز گاهی در «بیان» های خویش به ضعف برخی روایات اشاره دارد. مجلسی در اصل توجه به جمع آوری روایات صحیح داشته و آنچه از نظر او از لحاظ عقلی، نقلی یا سیاقی درست تشخیص داده را آورده و آنچه را صحیح نمی دانسته با توضیحاتی مشخص نموده است. بطور مثال در مورد بخش دوم دعای عرفه می آورد: به نظرم این بخش از امام علیه السلام نیست، اما به خاطر حفظ احترام راوی و اینکه این بخش با عقل و دیگر احادیث در تضاد نیست و اینکه دعا است ادامه آن را نیز می آورم. بعد از سال ها معلوم شد که نظر وی در این باره درست بوده و ادامه دعا از یک هندی است و نه از زبان امام علیه السلام.^۱ در حقیقت این گروه می آورند که مجلسی از کتبی که مورد تأیید بوده و بیم از بین رفتن آنها می رفت در بحار آورده تا محققان از بهره گیری از آنها بی نصیب نمانده و در اختیار نسل های آینده قرار گیرد.

در مقابل این گروه افراد دیگری هستند که کلاً اعتبار بحار الانوار را مورد خدشه قرار داده و می آورند که اگر مجلسی این احادیث را جمع آوری نکرده بود بسیاری از احادیث جعلی از بین می رفت و کار مجلسی باعث شد که چنین احادیثی نگهداری و حفظ شود. اما واقعیتی که از بررسی منابع بحار الانوار بدست می آید این است که مجلسی پس از آموختن کتب روایی مشهور به دنبال کتب و مراجع دور افتاده رفت. این کتب به خاطر بی اعتنائی به آنها و توجه زیاد بزرگان به کتب مشهور از قبیل کتب اربعه مهجور مانده بود و سال ها کسی سراغ آنها را نمی گرفت. وی در چنین اوضاعی، عده ای را برای یافتن این کتب به شهرها و کشورهای اسلامی گسیل داشت و با همت و پشتکار او مقدار زیادی از این کتب پیدا شد.^۲

مجلسی پس از مطالعه این منابع مهم و پی بردن به ارزش آنها نهایت سعی خویش را برای نسخه برداری و تکثیر این کتب نمود. به همین جهت است که هم اکنون نسخه های خطی فراوانی از کتب مختلف اسلامی از قرن ۱۱ و ۱۲ هجری در دست است. ایشان مشکل مهمی در این کتب یافت و آن تنوع فراوان عناوین کتاب ها و تنوع موضوعات بود به طوری که گاهی یافتن مطلب و موضوع دلخواه در آنها بسیار مشکل و خسته کننده می شد.

^۱ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۱، ص ۳۷۳.

^۲ بحار، فصل اول مقدمه، صص ۳ و ۴. تتبعت الاصول المعتبرة المهجورة التي تركت في الاعصار المتطاولة والازمان المتماضية... حتى اجتمع عندي بفضل ربي كثير من الاصول المعتبرة التي كان عليها معول العلماء في الاعصار الماضية، وإليها رجوع الافاضل في القرون الخالية، فألفيتها مشتملة على فوائد جمعة خلت عنها الكتب المشهورة المتداولة، واطلعت فيها على مدارك كثير من الاحكام اعترف الاكثرون بخلو كل منها عما يصلح أن يكون مأخذاً له ...

از سوی دیگر بیم آن می رفت که پس از چند سال یا چند دهه دوباره گرد غربت بر این کتب بنشیند و زحمات علامه و معاصرانش عقیم بماند و احتمالاً تمام نسخه های این کتب نابود گردد.^۱ در این راستا مجلسی اولاً به جهت امکانات فراوانی که در اختیار داشته، از بهترین و معتبرترین نسخه های موجود استفاده کرده است. ثانیاً از کتب و تألیفات معتبر شیعی در بحار آورده است. ثالثاً پس از گردآوری به نقد و بررسی آنها پرداخته و اگر حدیثی مورد تأیید وی نبوده با عبارت «بیان» به تبیین موارد اشکال پرداخته است.

کار مجلسی در زمان خود کار بسیار لازم و ضروری بوده است؛ چرا که شیعه قرن ها در تحت فشار دستگاه های حکومتی بوده و از همین رو بسیاری از احادیث و آثار آن نابود شده بود و یا در خطر نابودی قرار داشت. در آن زمان بقای کتاب و حدیث به نوشتن و انتشار دستی وابسته بود. از این رو اگر کتابی نوشته نمی شد و از روی آن نسخه های متعدد منتشر نمی گردید، از بین می رفت؛ چنان که آثار فراوانی از بزرگان عالم اسلام به همین دلیل و به دلیل حوادث و پیشامدها، از بین رفته است. حال اگر قرار باشد که محدث فقط روایاتی را که به نظر او صحیح می رسد گردآوری کند این کار عوارض بسیار نامطلوبی ببار خواهد آورد. در حقیقت در چنین شرایطی اولاً بسیاری از احادیث به دلیل عدم نقل محجور و متروک می ماند و کم از کم از بین می رفت و ثانیاً نظر هر محدث، نوعاً نظری است اجتهادی، که بر طبق مبانی خود آن را برمی گزیند. چه بسیار مواردی که محدثی حدیثی را صحیح می داند ولی محدث دیگر بر طبق ادله آن را رد می کند و برعکس. بنابر این حذف روایات، بستن راه تحقیق به روی دیگران است. چه بسا امروز حدیثی فهمیده نشود؛ ولی فردا همان حدیث راه گشای آیندگان باشد و یا با نقطه نظرهای اجتهادی تازه، راه برای اثبات صحت سند آن فراهم گردد.

بهبودی می نویسد: این کتاب روایت های متناقض یا دور از حقیقت نیز دارد، به طور مثال در بابی ضمن روایتی قضیه ای یا معجزه ای به امام کاظم علیه السلام نسبت داده شده؛ و در روایت دیگری همان قضیه یا معجزه به عینه به امام رضا علیه السلام نسبت داده شده است. اما در نظر من این تناقض از برکات این کتاب می باشد، زیرا که اگر روایات از کتاب های مختلف جمع آوری نشده بود و تحت یک باب قرار نگرفته بود، این تناقض مشخص نمی شد... بنابراین بر ما لازم است که این سیره و روش زیبا را از مؤلف سپاس گوئیم و بسیار ثنا و دعا بر ایشان فرستیم زیرا در این کتاب هر آنچه به او رسیده است را وارد نموده؛ و بدون تحاکم بر افکار و تحمیل بر اخبار، با احاطه بر اخبار صحیح از سقیم را در منظر نظر قرار داده و آورده که این خبر مخالف با مذهب است و بنابر این از درجه اعتبار ساقط است؛ و این از عیب و علل سالم است که آن را آورده ام؛ و شاید با بسیاری از متعارضات وارد شده یا ... و آنچه از بیانات ایشان قدس سره میبایم در توجیه روایات متعارض، و تأویل و رفع تخالف بین آنها، حکمی به صحت حدیث یا قبول آن نیست، و این شأن هر جامعی از جوامع حدیثی است که استقضاء و تتبع و تأیید احادیث را تا حد ممکن بالجمع، یا تأویل آن را

^۱ دانشنامه ی اسلامی

داشته باشد، و اما در قبول روایت و اعتقاد به آن، هر محققى نظرش ثاقب است، و شاید برخی به جمع و تأویل روایتی راضی باشند و برخی دیگر وجهی دیگر در نظر داشته باشند.^۱

نتایج

۱ - مجلسی اختلاف نسخ منابع را مورد بررسی قرار داده و آنچه مورد وثوق و از نظر متن و سند بی اشکال دیده را در کتابش آورده است.

۲ - برخی از منابع، که اسناد روایات را حذف کرده، یا نسخه ی آنها عینا در کتاب های معتبر دیگر آمده بود، به دلیل تطابق روایات این کتاب ها با کتاب های معتبر، دارای اعتبار شمرده شده است.

۳ - کتاب هایی که فاقد سند بوده یا روایات شیعه و سنی در آن درهم آمیخته بود در بحار، بسیار کم استفاده شده است.

۴ - مجلسی به عنوان فردی ثقه و مورد اطمینان همه ی دانشمندان، به صحت و اعتبار مصادر مورد استفاده شهادت داده است و در صورت ضعف سند یا روایت، موارد را در " بیان " های این کتاب متذکر شده است و نظر خود را آورده است.

۵ - مجلسی با این کار راه تحقیق را برای آینده گان هموار نمود و به جای حذف روایات، که بستن راه تحقیق به روی دیگران است؛ راهی گشود تا با نقطه نظرهای اجتهادی تازه، بهره گیری از احادیث و دسترسی به سنت، به خوبی فراهم گردد.

منابع

قرآن مجید

۱ - امین، سید محسن، ۱۳۶۲، اعیان الشیعه، دار التعارف للمطبوعات.

۲ - آقا بزرگ طهرانی، محمد حسن، ۱۳۸۰، الذریعه، نشر آستان قدس رضوی، مشهد.

۳ - جرفادقانی، م، ۱۳۶۴، علمای بزرگ شیعه از کلینی تا خمینی، انتشارات معارف اسلامی، قم.

۴ - جعفریان، رسول، ۱۳۷۹، صفویه در عرصه دین، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، تهران.

۵ - حداد عادل، غلامعلی، ۱۳۷۵ ش، دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، چاپ دوم، تهران.

۶ - خمینی، روح الله، صحیفه نور، ۱۳۶۱، وزارت ارشاد اسلامی، تهران.

^۱. بهبودی، بحار الانوار، ج صفر، صص ۲۰ و ۲۱.

مجله نامه الهیات، سال یازدهم، شماره چهل و دوم، بهار ۱۳۹۷

- ۷ -، کشف الاسرار، بی تا، آزادی، تهران.
- ۸ - دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل بحار الانوار از مهدی مطیع، بی جا.
- ۹ - دایرة المعارف تشیع، بنیاد خیریه فرهنگی شط، ۱۳۷۱ ه ش، چاپ اول، تهران.
- ۱۰ - دوانی، علی، ۱۳۷۲ ه ش، مفاخر اسلام، مرکز فرهنگی قبله.
- ۱۱ - قمی، عباس، ۱۳۹۲، شرح حال علمای مذهب جعفری، انتشارات نور محبت، چاپ اول، تهران.
- ۱۲ - جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، گلشن ابرار، ۱۳۸۲، نشر معروف، چاپ دوم، قم.
- ۱۳ - مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ه ق، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، بیروت.
- ۱۴ - مدرس تبریزی، محمد علی، ۱۳۲۶، ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیة و الالقاب، یا کنی و القاب، نشر کتابفروشی خیام، تهران.
- ۱۵ - مدیر شانه چی، کاظم، بی تا، علم الحدیث و درایة الحدیث، نشر دفتر انتشارات اسلامی، قم.
- ۱۶ - معارف، مجید، ۱۳۸۵ ه ش، تاریخ حدیث، انتشارات کویر، چاپ پنجم و ششم، تهران.
- ۱۷ - مهدوی، سید مصلح الدین، ۱۳۷۸، زندگینامه علامه مجلسی، سازمان چاپ و انتشارات ارشاد اسلامی، چاپ اول، تهران.
- ۱۸ - مهریزی، مهدی؛ ربانی، هادی؛ ۱۳۷۹، یادنامه علامه مجلسی، سازمان چاپ و انتشارات ارشاد اسلامی، چاپ اول، تهران.

سایت ها

- ۱ - سایت دانشنامه ی اسلامی
- ۲ - سایت دانشنامه رشد
- ۳ - سایت علامه مجلسی
- ۴ - سایت الهیات شیعه
- ۵ - مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت عليهم السلام